

## جلوه‌های اجتماعی و فرهنگی جشن‌های «مهرگان» و «سده» در هنر و فرهنگ عامه‌ی کرمان

### چکیده

عصری که روحیه‌ی متفاوت یک قوم یا فولک را به وجود می‌آورد، تاریخ و خاطرات مشترک آن‌ها در پهنه‌ی سرزمینی مشترک است. از این رو فولکلور یا فرهنگ عامه‌ی آن قوم، نه فقط مناسک و ادبیاتی معمول و ساده، بلکه بیانگر بنیادین‌ترین اصول بینش، شیوه‌ی تفکر و چگونگی درک آنان از جهان هستی است. در حقیقت فولکلور گویای نحوه‌ی زندگی اجتماعی آن ملت است. در پهنه‌ی سرزمینی ایران، میراثی غنی از فولکلور و فرهنگ عامه وجود دارد که از اعصار باستانی تاکنون، چون سنگ‌های رسوبی بر یکدیگر انباشت شده و تکامل یافته‌اند. برای ما بسیار اهمیت دارد تا ریشه‌های فرهنگ‌های عامه و عناصر پیونده دهنده‌ی فولکلور را در هر گوشه‌ای از این سرزمین پهناور با عناصر بنیادین تمدن ایرانی شناسایی کنیم. مهم‌ترین سند تمدن باستانی ایرانیان، شاهنامه‌ی فردوسی است. شاهنامه‌ی فردوسی، بهترین ابزار شناختی و مقایسه‌ای را در اختیار ما قرار می‌دهد. هدف ما در این پژوهش این است که در فرآیندی تطبیقی، ابعاد جلوه‌های اجتماعی و فرهنگی جشن‌های «مهرگان» و «سده» را در شاهنامه‌ی فردوسی، به عنوان گزارشی از تمدن باستانی ایران، مشاهده کنیم و تأثیر این ابعاد را بر فرهنگ عامه‌ی مردم استان کرمان بسنجیم. روش مورد استفاده در این پژوهش، تطبیقی بوده و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج این پژوهش با توجه به جلوه‌های مشترک شاهنامه و فولکلور مردم کرمان ضمن مطالعه‌ی جشن‌های «مهرگان» و «سده» و آداب و رسوم مردم کرمان، حاکی از این است که شاهنامه‌ی فردوسی، در طول زمان، مردم کرمان را با تاریخ، فرهنگ و آیین‌های ارزشمند نیاکان‌شان آشنا کرده، و هم‌چنین از راه تأثیرگذاری بر فرهنگ عامه، زبان و درک مشترکی را میان آن‌ها و سایر هم‌میهنان و حتی ملت‌های مجاور، فراهم آورده است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی تأثیرات شاهنامه‌ی فردوسی بر فرهنگ و ادب عامه‌ی مردم استان کرمان.
۲. شناسایی تشابهات عناصر فرهنگی و اجتماعی شاهنامه با فرهنگ و رسوم عامه‌ی مردم استان کرمان.

### سوالات پژوهش:

۱. آیا نمودهای مختلف شاهنامه در فرهنگ و ادب عامه‌ی مردم استان کرمان بازتاب داشته است؟
  ۲. آیا تشابهی میان فرهنگ و رسوم عامه‌ی مردم کرمان و فرهنگ و رسوم در شاهنامه وجود دارد؟
- واژگان کلیدی:** شاهنامه‌ی فردوسی، فرهنگ عامه‌ی کرمان، جشن «مهرگان»، جشن «سده».

آنچه امروزه در ایران نام «فرهنگ عامه» گرفته است، خود درختی پهناور و کهن است که میوه‌ها و شاخه‌های متعدد و چند هزار ساله دارد. اما نقطه ضعف این درخت، فقدان باغبان مهربان و دلسوزی بوده که در طول سالیان، میوه‌های آن را که همان افسانه‌ها، قصه‌ها و ترانه‌ها است، شناسنامه‌دار کند. بنابراین هر قافله‌ای زیر آن، بار می‌انداخت، چیزی به آن می‌افزود یا چیزی از آن به یغما می‌برد. گاه طلسم‌های جادویی این قافله‌ها بر شاخه‌های این درخت باقی می‌ماند و گاه شیاطینی میوه‌هایش را به سم خرافه می‌آلودند. با این حال درخت فولک ایرانی از آغاز حیات خود ریشه دوانید تا به قرن بیست‌ویکم رسید؛ قرن کشمکش‌های فلسفی. قرن حاضر، قرن بحران‌های اجتماعی و هویتی است و غلفت از فرهنگ غنی و چند هزارساله‌ی ایرانی، ریشه‌ها و سنت‌های فرهنگی و ادبی را می‌خشکاند و ما را در تندباد تهاجم فرهنگ‌های بیگانه، دست خالی می‌گذارد. بازگشت به ریشه‌های فرهنگ ایران، اکنون و در این زمان بیش از پیش حیاتی به نظر می‌رسد. شاهنامه‌ی فردوسی، منبع و سرچشمه‌ی بسیاری از آداب و رسوم و بن‌مایه‌های فرهنگی ایرانیان و به خصوص فرهنگ عامه و داستان‌های فولک ایرانی است که در مسیر احیای هویت فرهنگی ایرانیان، راهنما و راهگشا خواهد بود. در ایران دیر زمانی نمی‌گذرد که کوشش‌های اساسی در زمینه‌ی گردآوری فرهنگ عامه‌ی مردم آغاز شده است. از ایرانیان، نخستین کسی که با روش غربی به کار تدوین فولکلور پرداخت، میرزا حبیب اصفهانی، متخلص به داستان است. در دوران انقلاب مشروطیت، از کسانی که در آثار خود توانستند با مردم رابطه و پیوند برقرار کنند، سید اشرف‌الدین حسینی معروف به نسیم شمال است که در روزنامه‌ی خود، توجه زیادی به زبان گفت‌وگو داشت و از اصطلاحات و تعبیرات رایج عامه در اشعار ساده و بی‌پیرایه‌اش استفاده می‌کرد. هم‌چنین علامه علی‌اکبر دهخدا با توجه به زبان عامه و محاوره‌ای، به نوشتن «چند و پرند» در روزنامه‌ی صوراسرافیل و جست‌وجوی مثل و تمثیل و کلمات حکمت‌آمیز در کلیه‌ی کتب ادبی همت گمارد (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۹). علاوه بر آن عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» یا «تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجار» که نمونه‌ی خوب یک تاریخ اجتماعی است، بسیاری از آداب و رسوم، افکار و عقاید، مشاغل، خوراک، پوشاک و مسکن مردم عصر قاجار را به رشته تحریر درآورد (بیهقی، ۱۳۸۹: ۷۰). جنبش تحقیقات فولکلوریک در ایران، پس از چاپ کتاب نیرنگستان توسط صادق هدایت (۱۳۱۲) آغاز شد (هدایت، ۱۳۴۲: ۲۲۷). هدایت، نه تنها اعتقادات و آداب و رسوم و ترانه‌های عامیانه را در «نیرنگستان» و «اوسانه» آورده، بلکه در تمام داستان‌هایش به آداب و رسوم ایرانی و طرز اندیشه و سخن گفتن و زندگی مردم عادی سرزمین ایران توجه خاص مبذول داشته است (هدایت، ۱۳۴۲: ۲۲۸). گذشته از آن، هدایت برای نخستین بار درباره‌ی روش علمی تحقیقات فولکلور سخن گفت و این دانش را در ایران پی‌ریزی کرد. علی‌رغم فعالیت‌هایی که هدایت در زمینه‌ی فولکلور ایران انجام داد، معتقد بود که شیوه‌ی تدوین آن هنوز دچار مشکلاتی است؛ «تاکنون، تحقیقاتی که درباره‌ی فولکلور ایران، انجام گرفته، بسیار محدود و ناقص می‌باشد؛ چون به هیچ وجه، متکی به روش دقیق علمی نبوده است. فقط می‌توان از آن به عنوان طرح مقدماتی کار جدی و علمی استفاده کرد» (هدایت، ۱۳۴۲: ۲۳۹).

افراد و شخصیت‌های دیگری نیز در این راه تلاش نمودند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود؛ کوهی کرمانی، هفتصد ترانه و چهارده افسانه را جمع کرد و به چاپ رساند. صبحی مهتدی هم در زمینه‌ی گردآوری قصه‌های عامیانه فعالیت کرده و از طریق برنامه‌های رادیو، مردم را با فرهنگ عامه آشنا و به گردآوری آن تشویق نمود. بعدها انجوی شیرازی راه او را ادامه داد (بیهقی، ۱۳۸۹: ۷۳). ایشان طی سالیان دراز به وسیله‌ی رادیو، مردم را به گردآوری داستان‌ها و ترانه‌های عامیانه و آداب و رسوم محلی فرا می‌خواند که حاصل این تلاش‌ها، به صورت چهار کتاب از «گنجینه‌ی فرهنگ مردم» منتشر شده است (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۶۵۱). امیرقلی امینی از دیگر اشخاصی است که در زمینه‌ی گردآوری لغات و امثال عامیانه سعی چشم‌گیری داشته است. هم‌چنین جلال آل احمد در زمینه‌ی گردآوری فولکلور و تحقیق در روستاها و شهرهای ایران و نشر چند تک‌نگاری زحماتی را متحمل شده است. هم‌زمان با او، غلام‌حسین ساعدی، سیروس طاهباز، جواد صفی‌نژاد و چند تن دیگر، مونوگرافی‌ها و تحقیقات ارزنده‌ای را در مورد شناخت زندگی و اندیشه‌ی مردم گوشه و کنار ایران ارائه دادند. کوشش‌های محمدجعفر محجوب پیرامون فرهنگ عامه به ویژه ادب عوام از ارزش والایی برخوردار است. احمد شاملو نیز با نشر کتاب «کوچه»، کار گذشتگان را در زمینه‌ی گردآوری و توضیح لغات و اصطلاحات و داستان‌ها و امثال و جز آن دنبال کرد. کتیرایی، شکورزاده، همایونی، فقیری و بلوکباشی به تشریح و توضیح مواردی از زندگی و آداب و رسوم و اندیشه‌ی مردم ایران پرداختند.

علاوه بر شخصیت‌های ادبی، مراکز متعددی نیز در حوزه‌ی فرهنگ عامه‌ی مردم متمرکز شده‌اند. از جمله‌ی آنها، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران است که طی بیست سال اخیر به تحقیقات منظم علمی در زمینه‌ی مطالعات ایلی و روستایی ایران پرداخته و حاصل این تحقیقات به صورت یک سلسله نشریات سودمند علمی منتشر شده است. از دیگر مؤسسات می‌توان به مرکز مردم‌شناسی ایران و سازمان رادیو و تلویزیون اشاره کرد. هم‌چنین از میان مجله‌ها و نشریاتی که تنها در رابطه با مردم‌شناسی و فرهنگ عامه نشر یافته‌اند، می‌توان دو نشریه را نام برد؛ نخست مجله‌ی «مردم‌شناسی» که به همت و مدیریت علی هانیبال و توسط اداره کل هنرهای زیبای کشور منتشر شده است. دیگر مجله‌ی «مردم‌شناسی و فرهنگ عامه‌ی ایران» که مرکز مردم‌شناسی ایران منتشر کرده است. به علاوه مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی (۲۷-۳۰ خرداد ۱۳۸۱)، حاوی مقالات مردم‌شناسی و فرهنگ عامه، از سوی بنیاد ایران‌شناسی در دو جلد منتشر شده است (بیهقی، ۱۳۸۹: ۷۴).

با این حال، تحقیقاتی با تأکید بر شهرها و مناطق گوناگون ایران، به ویژه در رابطه با بازتابِ نمودهای مختلف آثار فارسی در این شهرها کمتر صورت گرفته است. بنابراین در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی رابطه و بازنمودهای شاهنامه در فرهنگ و ادب عامه‌ی استان کرمان، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای گوشه‌ای از فرهنگ و ادبیات و آداب و رسوم ناشناخته‌ی این منطقه، به خوانندگان معرفی گردد. جمع‌آوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری از منابع مکتوب انجام گرفته و به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه می‌شوند. در این قسمت مطالب به صورت نقل قول مستقیم و غیر مستقیم از منابع گرفته شده و در بعضی موارد به صورت خلاصه شرح داده شده و مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته است. روش کار در این پژوهش بر اساس استدلال، تجزیه و تحلیل و خلاصه کردن و بیان تفاوت‌ها و شباهت‌ها است که بر مبنای کتاب‌های سبک‌شناسی، معانی و بیان و بدیع، دستور زبان فارسی و زبان‌شناسی و از همه مهم‌تر مباحث نظری و کاربردی انجام گرفته است.

### نتیجه‌گیری

جهان‌بینی ژرف و حکمت‌والای فردوسی، قرن‌ها اثر جاویدان شاهنامه را پاسخگوی «آمال» و «آلام» ضمیر آگاه و ناآگاه و منادی عزت و اصل و نسب فردی و جمعی ایرانیان در حوزه‌ی بزرگ فرهنگی-تاریخی خود نموده است. «نظم و ابداع بایسته‌ترین موضوع و مطلب، شایسته‌ترین شیوه‌ی بیان و برخورداری از موهبت و اقبال عموم و خواص، در مدت یک هزاره، سه امتیاز منحصر به فرد این شاهکار جهانی است» (مرتضوی، ۱۳۹۱: ۱۶). کتاب شاهنامه در سراسر جهان اسلام، نمونه‌ی اصلی و سرمشق کامل منظومه‌های حماسی بوده است. در ایران نیرومندترین عاملی که همواره به شاهنامه ارج و مقام بخشیده، غرور ملی ایرانیان نسبت به این کتاب است که نماینده‌ی مجد و عظمت قومی آنان به حساب می‌آید. کرمانی‌ها به عنوان یکی از کهن‌ترین میراث‌داران اقوام ایرانی، این اثر گران قدر را به عنوان راهنمای زندگی فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی، طی قرن‌های متمادی صمیمانه پاس داشته‌اند. هم‌نوایی زندگی این قوم با نوع زندگی ساده، بی‌آلایش، حماسی و دودمانی قهرمانان شاهنامه، از یک سو، دستورالعمل و آیین‌نامه‌ی زندگی واقعی آن‌ها در بزم و رزم، در فراغت و کار، در فرهنگ و رسوم و... بوده و از طرف دیگر، کانال و بستر ارتباطی این قوم با سایر قوم‌های ایرانی بوده است. به بیان دیگر شاهنامه‌ی فردوسی، مردم کرمان را از سویی با تاریخ، فرهنگ و آیین‌های ارزشمند نیاکان آشنا کرده و از سویی دیگر، زبان و درک مشترکی را میان آن‌ها و سایر هم‌میهنان و حتی ملت‌های مجاور، فراهم آورده است، در حالی که کمتر اثری در تاریخ ادبیات واحد چنین عملکردی است. گرچه امروزه بر اثر رخدادهای دگرگون‌ساز اجتماعی-اقتصادی و تنوع ابزار و فناوری‌های نوین، کارکردهای شاهنامه به تقریب کم‌رنگ شده، اما هیچ اثری به اندازه‌ی شاهنامه قدرت هویت‌بخشی به نسل‌های کنونی و آینده را ندارد. علت موفقیت و گیرایی شاهنامه در بین ایرانیان به ویژه مردم کرمان، این است که شاهنامه از داشته‌های ما سخن می‌گوید. شاهنامه اسطوره و تاریخ ایران است و پیام آزادی، نیک‌اندیشی، وطن‌پرستی، مقاومت و شجاعت را برای مردم به همراه دارد. بررسی جشن‌های «مهرگان» و «سده» در شاهنامه و جلوه‌های اجتماعی و فرهنگی آن در فرهنگ فولکلور مردم کرمان، حاکی از آن است که ارتباط و پیوستگی عمیقی بین فرهنگ عامه کرمانیان و داستان‌های شاهنامه وجود دارد و این پیوستگی

در طول قرن‌های متمادی حفظ شده است؛ چرا که شهر کرمان جزء معدود شهرهایی است که در هم‌چنان به برپایی این جشن‌ها ممارست می‌ورزد و در بزرگداشت آیین‌های سنتی فولک ایرانی، درخشان و متمایز است.

## منابع

- آذرگشسب، اردشیر (۱۳۵۸)، مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، تهران: انتشارات فروهر.
- اسدی طوسی، علی بن احمد (۱۳۹۴)، گرشاسب نامه، به اهتمام محمود امیدسالار، تهران: انتشارات سخن.
- ایزدی، زهرا (۱۳۹۴)، فرهنگ عامه‌ی کرمان، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی کرمان.
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۸۹)، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه در ایران، مشهد: اداره موزه‌های آستان قدس رضوی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۸)، زبان و ادبیات عامه ایران، تهران: انتشارات سمت.
- رضی، هاشم (۱۳۷۱)، گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، تهران: بهجت.
- روح الامینی، محمود (۱۳۸۴)، زمینه‌ی فرهنگ شناسی، چاپ هشتم؛ تهران: عطار.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۸۱)، حماسه‌سرایی در ایران، چاپ نهم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، شاهنامه (بر اساس نسخه‌ی نه جلدی چاپ مسکو)، ویراستار: یوگنی ادواردوویچ برتلس، چاپ سوم، تهران: ققنوس.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی‌مطلق، هشت جلد (جلد ۶ با همکاری محمود امیدسالار و جلد ۷ با همکاری ابوالفضل خطیبی)، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، شاهنامه، به تصحیح جلال خالق مطلق، تهران: سخن.
- فروهوشی، بهرام (۱۳۶۴)، فرهنگ پهلوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لریمر، دل (۱۳۹۵)، فرهنگ لریمر؛ فرهنگ عامه‌ی مردم کرمان، ترجمه: فریدون وهمن، کرمان: مرکز کرمان شناسی.
- محبوب، محمد جعفر (۱۳۸۲)، ادبیات عامیانه ایران به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه.
- محبوب، محمد جعفر (۱۳۸۲)، فرهنگ عوام، ادبیات عامیانه‌ی ایران، ج ۱، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه.
- مرتضوی، منوچهری (۱۳۹۱)، فردوسی و شاهنامه، چاپ چهارم، تهران، انتشارات توس.
- هدایت، صادق (۱۳۴۲)، نیرنگستان، چاپ سوم، تهران: آریان کوده.
- همت، محمود (۱۳۸۹)، تاریخ کرمان، تهران: گلی.
- اجاکه، علی‌اکبر، شمیسا، سیروس و مدرس زاده، عبدالرضا (۱۳۹۸)، مطالعات هنر اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۸: صص ۱-۲۸

- افشاری، علی (۱۳۸۴)، "جشن مهرگان"، حافظ، شماره ۱۹، مهر ۱۳۸۴، ص ۲۳.
- تربیت، محمدعلی (۱۳۱۰)، "جشن سده"، ارمغان، دوره دوازدهم، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۱۰، صص ۷۴۵-۷۵۱.
- حریری، علی اصغر (۱۳۴۷)، "تحقیقی درباره نام و هنگام جشن سده"، مجله وحید، شماره ۵۲، فروردین ۱۳۴۷، صص ۳۷۳-۳۵۵.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۹۷)، "آیا روایت جشن سده در شاهنامه الحاقی است؟"، نامه فرهنگستان (تحقیقات ایران شناسی)، دوره شانزدهم، شماره ۳، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۳۱-۱۵۲.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۴۷)، "جشن مهرگان"، انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره ششم، شماره ۱، اردیبهشت ۱۳۴۷، صص ۲۹-۵.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۴)، "جشن سده و «سده سوزی» در کرمان، چیستا، شماره ۱۲۴ و ۱۲۵، دی و بهمن ۱۳۷۴، صص ۳۰۲-۳۱۲.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۲۶)، "جشن سده"، ارتش بهمن، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۲۶، صص ۷-۱۶.
- کریمی، شهرزاد (۱۳۹۵)، "نقد علمی نگاره جشن سده در شاهنامه شاه طهماسبی"، فصلنامه روایت تاریخ، شماره ۱ اول، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۸-۱۳۳.
- گروسی، عبدالله (۱۳۶۹)، "آیین های زایش و رویش در جنوب کرمان"، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره اول، شماره ۱، بهار ۱۳۶۹، صص ۶۹-۱۰۳.
- معتکف، فریده (۱۳۸۴)، "فرهنگ: مراسم جشن سده در ایران باستان"، پادنگ، شماره ۱۶، ص ۸.
- مینوی، مجتبی (۱۳۰۶)، "جشن های ایرانی (مهرگان)، تقدم، شماره ۳، آبان ۱۳۰۶، صص ۱۵۷-۲۰۰.